

روایت ۱

این دو خاطره فراموش نمی شود

علی اکبر پور خردمند، شهردار منطقه ۵ تبریز:

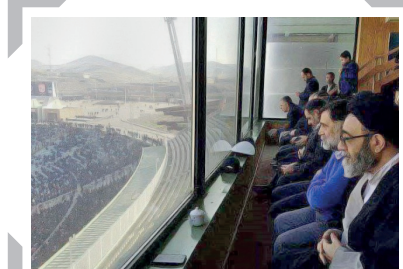
چند سال پیش شهردار منطقه ۳ تبریز بودم و دفتر حاج آقا آل هاشم در حوزه استحفاظی ما قرار داشت؛ اتفاقی که باعث شده بود بیشتر ایشان را ببینم. در جلساتی هم که خدمتشان می‌رفتم تمام تأکیدشان بر قانونمداری و تعامل ارگان‌ها برای توسعه هر چه بهتر شهر بود. او ۴ خاطره مهم برای مردم آذربایجان شرقی رقم زد که باور دارم هیچ زمانی فراموش نخواهند شد. نخستین خاطره، حذف نرده‌های وی‌آی‌بی در نماز جمعه بود تا به قول خودش بساط طریقتی شدن جمع شود و مردم از هر گروه و صنفی بتوانند هر جایی که دوست دارند، بنشینند؛ حتی نزدیک به امام جمعه. حاج آقا پایه‌گذار این شرایط بود و تاجایی که به خاطر دارم پس از آن در یکی دیگر از شهرهای کشور هم همین اتفاق رخ داد. دومین خاطره را هم برای کل مردم آذربایجان رقم زد که هر جایی می‌رفت، حتما در زمان پیاده‌روی وارد مغازه‌ها می‌شد و با کسبه احوالپرسی می‌کرد. خیلی از مردم تبریز او را در خیابان، مغازه‌ها و حتی تاکسی و مترو می‌دیدند. بارها شنیدم که مردم در همین واکنش‌های مترو مشکلاتشان را با او در میان می‌گذاشتند و از او راهنمایی می‌گرفتند.



همه‌مان را به اسم می‌شناخت

اسماعیل قلیچ‌خانی، رئیس کانون هواداران باشگاه تراکتورسازی:

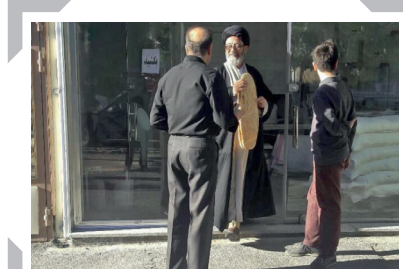
حاج آقا آل هاشم اصالتاً تبریزی و در محله‌های همین شهر بزرگ شده بود. فوتبال و تیم تراکتورسازی را هم دوست داشت. به چشم خود دیده بودم که پیگیر نتایج بود و از برد تیم خوشحال و از باختش غمگین می‌شد. از تباط خوبی هم با هواداران و لیدرهای تراکتور داشت و بچه‌ها هم به حرفش گوش می‌کردند. نقطه قوت این صمیمت این بود که اسمی اکثر لیدرها و فعالان کانون هواداران باشگاه را می‌دانست و همین باعث می‌شد که از تباط صمیمانه‌تری داشته باشند. مشکلی هم اگر بود، هر زمان که فرصت داشت پای حرف‌هایمان می‌نشست و راهنمایی‌مان می‌کرد. یکی از مهم‌ترین خاطراتی که از حضورش در ورزشگاه دارم، بازی تراکتور - استقلال در تبریز بود. آن زمان اتفاقی در تهران رخ داده بود و هواداران یکی از تیم‌ها حرکات بدی را انجام داده بودند. همه فکر می‌کردند که حالا هواداران تراکتور هم قصد تلافی داشته باشند و انتظار می‌رفت که جو بازی متشنج شود. حاج آقا متوجه این موضوع شدند و ما را شب قبل از بازی شام دعوت کردند. توصیه‌شان این بود که جو ورزشگاه آرام باشد تا تیم نتیجه بگیرد. اما زمانی که از بلندگوهای ورزشگاه اعلام کردند که حاج آقا هم در ورزشگاه حضور دارد کل هواداران تراکتور او را تشویق کردند و به احترام حضورش در ورزشگاه، آن بازی با وجود اینکه در نهایت بدون گل مساوی شد، اما بدون حاشیه به پایان رسید.



نماز جمعه نمی آید؟

اروج رضایی، صاحب یک نانوايي در تبريز:

اولین باری که به مغازه نانوايي ما وارد شد، نشناختمش. سلام کرد و یک جواب ساده دادم. با بقیه مشتری‌ها هم احوالپرسی می‌کرد. رو به من کرد و گفت: «من رو نشناختین؟» گفتم: «استی نه حاج آقا؟» خندید و گفت: «پس نماز جمعه نمی آید؟» چند نان بربری خرید و رفت و چند روز بعد دوستان تماس می‌گرفتند و می‌گفتند که امام جمعه تبریز از مغازه ما نان خریده و عکس‌هایمان در فضای مجازی پخش شده است. آن روز فهمیدم که خودش ما محتاج روزانه‌اش را خریداری می‌کرده و تا جایی که امکان داشته در پیاده‌روی‌ها داخل مغازه‌ها می‌رفت و با صاحبانشان خوش‌وش می‌کرد. یکبار از من خرید کرد، اما رفتار و منشی که داشت در ذهنم مانده است. سال‌هاست که هر روز با مردم سروکار دارم و رفتار خوب و مهربانش نشان می‌داد که آدم متشخصی است. از وقتی شنیدم که همراه رئیس جمهور، شهید شده، آن خاطره حضورش در ذهنم بالا و پایین می‌شود و اشک می‌ریزم؛ حیف شد!



آخرین تصویر ثبت شده از حجت الاسلام والمسلمین آل هاشم همراه با رئیس جمهور



حضور امام جمعه تبریز در مترو و میان مردم



خانه‌اش، قلب مردم بود

حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی آل‌هاشم، دعا می‌کرد که سومین امام جمعه شهید شهرش باشد

«هر پردسن، سلسله حسین...» این نواي مداحی است که به زبان آذری در حال مویه‌کردن و روضه خواندن است. محل روضه خوانی او نیز، مقابل منزل حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی آل‌هاشم است؛ امام جمعه مردمی تبریز و البته عضو مجلس خبرگان رهبری.

قرار بود همین روزها در مجلس جدید خبرگان هم حضور داشته باشند. اما تقدیر به گونه‌ای دیگر رقم خورد و در برابر تقدیر الهی نیز مقاومت بی‌فایده است. مردم تبریز و دیگر مردم آذربایجان شرقی، خاطر آ و نکته‌های

جالبی از این روحانی مردمی به یاد دارند؛ مردی که تریج می‌داد پیاده و با استفاده از وسایل نقلیه عمومی تردد کند و نرده‌های حائل بین مسئولان و مردم در نماز جمعه را بردارد. نقل‌ها از سیدمحمدعلی آل‌هاشم، فرزند حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد تقی آل‌هاشم، بسیار است. مردم تبریز هنوز کلیش را به یاد دارند که رو به دوربین، می‌گوید: «می‌دانستید که تنها شهری که ۲۲ امام جمعه شهید دارد، تبریز است؟ یکی حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی طباطبایی، و دیگری حجت‌الاسلام

والمسلمین مدنی. آن‌شاءالله من هم به‌عنوان سومی به آنها ملحق بشوم.» او به آرزویش رسید و حالا این پدر بزرگوار اوست که باید بر پیگر فرزندش حاضر شود و نماز بخواند و عزاداری کند. خواست خداوند برای این عالم مردمی و عامل به علم خود، چنین بود که در میان کوهستان و جنگل، بعد از تاب آوردن رنج بسیار، به دیدار معبود بشتابد تا همشهریانش که طعم حضور یک روحانی مردمی را چشیده بودند، مقابل خانه‌اش جمع شوند و بگویند «هر پردسن، سلسله حسین...»



عکسی که حالا اجازه انتشار دارد

سعید بامرام، یک کاربر فضای مجازی، در حساب توئیتر خود با انتشار عکسی از حجت‌الاسلام والمسلمین آل‌هاشم، امام جمعه تبریز نوشته: «از آقای بهزاد پروین قدس (عکاس) نقل است که حجت‌الاسلام والمسلمین آل‌هاشم هنگام انداختن این عکس گفته بود روزی که به‌عنوان سومین شهید محراب به شهادت رسیدم، این تصویر مرا چاپ کنید.» تصویری که شهید آل‌هاشم را در لباس سپاه پاسداران نشان می‌دهد.



فرزندی که پدر شد

خرداد ۱۳۹۶ بود که سیدمحمدعلی آل‌هاشم به‌عنوان امام جمعه تبریز و نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی انتخاب شد؛ انتخابی که تصویری از او هنگام دستبوسی پدر هم‌مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. شهید آل‌هاشم در خاطره‌ای در این باره گفته: «پدرم به من گفتند از زمانی که حکم شما از سوی رهبر معظم انقلاب آمده علاوه بر فرزندی، در کسوت پدر من نیز هستم.»

دانشگاهی به نام دفاع مقدس

شهید آل‌هاشم از یادگاران دفاع مقدس بود و در عملیات‌های مختلف و در کسوت‌های مختلف حضور داشت. حالا که به دیدار معبود شتافته است، بد نیست تصویری از حضور او در سال‌های دفاع مقدس را مرور کنیم؛ همانجایی که خروجی‌اش، یک روحانی مردمی و جهادی مانند او بود.



یکی نه! دو تا بگیر

شهید آل‌هاشم علاقه زیادی به جوان‌ها و نوجوان‌ها به‌ویژه دانشجویان داشت؛ همیشه تأکید می‌کرد «دانشجو، فرزند خوبمان است.» جاذبه و ویژگی‌های شخصیتی‌اش باعث شده بود که این علاقه دوطرفه باشد و هر وقت میان آنها بود، زمان زیادی هم به انداختن عکس‌های سلفی با این جوان‌ها می‌گذشت. وقتی که از او تقاضا می‌کردند یک عکس مشترک بگیرند، به شوخی پاسخ می‌داد، یکی نه! دو تا بگیرند.



احترام به زنان

تأیستان سال ۹۸ بود و مراسم افتتاح طرح‌های محرومیت‌زدایی. از برخی افراد هم تقدیر شد و یکی از آنها نانویی بود که هدیه از دستش به زمین افتاد. امام جمعه شهید تبریز برای حفظ حرمت او خم شد و تقدیرنامه را برایش برداشت. مدت‌های زیادی این تصویر از حجت‌الاسلام والمسلمین آل‌هاشم به‌عنوان خضوع او در مقابل مردم و به‌ویژه بانوان در فضای مجازی و سایت‌های خبری باز نشر می‌شد.



روایت ۲

شریک حال خوب و بد همه بود

فرزاد ملازاده، سرپرست همشهری در آذربایجان شرقی:

هیچ حوزهای را در آذربایجان شرقی پیدا نمی‌کنید که ردی از حضور صمیمانه حاج آقا آل‌هاشم در آنجا وجود نداشته باشد. توجه عجیبی به مطبوعات و رسانه‌ها داشت و حتی در نمایشگاه‌های استانی هم شرکت می‌کرد. توجه جالبی به زندگی افراد هم داشت و به نوعی در اتفاقات خوب و بد کنارشان بود. شهریور ۱۴۰۲ پدرم فوت کرد و در زمان تشییع جنازه، تلفنم زنگ خورد، حاج آقا پشت خط بود، تسلیت گفت و به من دلداری داد. آن لحظه عجیب‌احوال دیگری پیدا کردم و برایم جالب بود که امام جمعه تبریز حتی به غم همشهریانش هم بها می‌دهد. هر ورزشکاری که در استان مقام می‌آورد یا هنرمند و عکاسی که برنده جایزه می‌شد، با آنها تماس می‌گرفت و تبریک می‌گفت. مردم آذربایجان احترام زیادی برای او قائل بودند؛ چون موج جدیدی در این شهر ایجاد کرد که همه به شخصیت یک امام جمعه علاقه‌مند شدند. از دیروز هزاران بار این جمله را از خیلی‌ها شنیده‌ام: «حیف شد!»



تبریز تیم شد

بهزاد پروین قدس، عکاس دوران دفاع مقدس:

با رفتن حاج آقا، تبریز تیم شد. او بسرای تمامی مردم و به‌خصوص برای یادگاران دوران دفاع مقدس و هنرمندان انقلابی، پدری مهربان بود. امام جمعه مردمی، دردشناس و خستگی‌ناپذیر تبریز با وجود مشکلات جسمانی خود، با تمام توان در صحنه حضور داشت. خستگی را خسته کرده و یک نمود عینی از مردمداری و انقلابی‌گری بود. امیدوارم آرمان و اهداف مدنظر شهید آل‌هاشم و امثال ایشان را پیگیر بوده و با استقامت هر چه تمام‌پرو ولی زمانمان باشیم.

مشترک مورد نظر

«برای نخستین بار» در دسترس نیست

کتابون حمیدی، خبرنگار:

همیشه با چند بوق جواب تلفن را می‌داد یا پیامک می‌زد که تماس می‌گیرم با شما! اما از دیروز دیگر نه بوقی زده شده و نه پیامکی آمده فقط یک صدا شنیده می‌شود: «مشترک مورد نظر در دسترس نیست». هر وقت تماس می‌گرفتم، می‌گفت: «فرمایید دخترم، شماره‌ها سبوست‌ها!» و هر وقت مرا می‌دید، می‌گفت: «خطبه‌هایم را او و به او می‌نویسی؛ نوشته‌هایت را دوست دارم!» دیروز جلوی بیتش رفتم و برای نخستین بار به ما اجازه ورود ندادند؛ گفتند صاحب خانه نیست بگر! حالا نیست و آذربایجان در نبودش خون‌گرمی می‌کند. هر جمعه در خطبه‌هایش می‌گفت که آرزوی شهادت دارد و حالا به آرزویش رسیده است.



مرکز ثقل وحدت

یوسف داودی، نماینده سراب در مجلس:

شهید آل‌هاشم شخصیتی مردمی و محبوب بود که جایگاه ویژه‌ای در آذربایجان شرقی داشت. به‌عنوان محور و مرکز ثقل وحدت بین تمام مسئولان، اعم از دولتی، نمایندگان مجلس و سایر دستگاه‌ها به شمار می‌رفت و در واقع نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کرد. زمانی که به‌عنوان رئیس عقیدتی و سیاسی در ارتش مسئولیت داشت، در پشتیبانی جبهه، تأمین نیروها، امکانات و... بسیار توانمند عمل کرد و مشکلاتی که وجود داشت را به‌طور مستقیم رفع می‌کرد. حضور تأثیرگذارش در تحقق پروژه‌های مهم در آذربایجان شرقی هم مثال‌زدنی بود؛ از راه‌آهن تبریز-میانه گرفته تا صنعت مس و... که به‌طور مستقیم ورود می‌کرد تا به سرانجام برسد.